

جایگاه اجتماعی سالمندان در خانواده با تأکید بر نقش تلویزیون: بررسی دیدگاه‌های سالمندان تهرانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۲

طاهره جعفری*

محمد صادق مهدوی**

محمد باقر ساروخانی***

چکیده

مطالعه حاضر با هدف کنکاش نقش تلویزیون در تغییر جایگاه اجتماعی سالمندان در شهر تهران به روش کیفی صورت گرفته است. جامعه آماری این مطالعه، سالمندان بوده‌اند و پژوهشگر با سی نفر از سالمندان مصاحبه‌هایی انجام داده که طول زمانی آنها به طور متوسط بیش از یک ساعت است. این مقاله حاوی مهم‌ترین نتایج حاصل از این تحقیق است. سؤال اصلی تحقیق، عبارت است از اینکه سالمندان تهرانی برای خود در خانواده‌شان چه جایگاهی قائلند؟ آنها نقش تلویزیون را در این جایگاه چگونه تبیین می‌کنند؟ نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه عمیق با سالمندان تهرانی‌ای که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند، حاکی از این است که سالمندان در حیطه جایگاه اجتماعی، اقتصادی و جسمی‌شان، تا حدی از خانواده‌ها ابراز یأس کرده‌اند و در حیطه علت کاهش منزلت سالمندان، مقوله مهم کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و فرهنگی خودنمایی می‌کند. عده کمی از سالمندان برای خودشان در خانواده جایگاه محوری قائل بودند و عده بیشتری معتقد بودند از احترامی که استحقاق آن را دارند، برخوردار نیستند و در خانواده جایگاهی حاشیه‌ای دارند. همچنین سالمندانی که خانواده‌هایشان زیاد تلویزیون یا ماهواره می‌بینند، معتقدند کمتر مورد توجه فرزندان‌شان هستند. در زمینه نقش رسانه در جایگاه سالمندان نیز مهم‌ترین مقوله‌ها نشان می‌دهد که عملکرد تلویزیون در «برنامه‌سازی» و «ارائه الگو به منظور ارتقای منزلت سالمندان» ضعیف بوده است. همچنین در زمینه مهم‌ترین دلایل سپردن سالمندان به مراکز نگهداری، مشارکت‌کنندگان ابراز کرده‌اند که ناسپاسی فرزندان و مشکلات اقتصادی آنها مهم‌ترین دلایل هستند. سالمندان

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

Jafari749@gmail.com

** استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Sms_mahdavi@yahoo.de

Sarokhani@ut.ac.ir

*** استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

بررسی شده در این تحقیق به ترتیب حفظ حرمت سالمندان، آموزش و برنامه‌سازی رسانه در زمینه سالمندی، تأمین مسائل اقتصادی سالمند، و ایجاد مراکز تفریحی و بهداشتی را مهم‌ترین انتظارات خود از جامعه عنوان کرده‌اند.

واژگان کلیدی: جایگاه اجتماعی سالمندان، سالمندان تهرانی، نقش رسانه

مقدمه

در جریان ارتباطات بین فردی و اجتماعی، بسیاری از عادت‌ها، عرف‌ها و گفتارها به گونه‌ای کاملاً آشکار تحت تأثیر رسانه‌ها از جمله مطبوعات، رادیو و تلویزیون قرار می‌گیرد. صاحب‌نظران علوم ارتباطات در سال‌های اخیر کارکرد جدیدتری از رسانه‌های جمعی را مطرح کرده‌اند که کارکرد فرهنگ‌آفرینی نامیده می‌شود (افخمی، ۱۳۸۲: ۵). به اعتقاد آنها رسانه‌ها در جوامع جدید با ایجاد چارچوب‌های تجربی و نگرش‌های کلی فرهنگی، افراد را در تفسیر و سازماندهی اطلاعات یاری می‌دهند و شیوه‌هایی را پی‌ریزی می‌کنند که افراد به وسیله آن بتوانند زندگی اجتماعی را تفسیر کنند. بنابراین در عصر اطلاعات و رسانه و زمانی که هیچ نیرویی توان کنترل کامل منابع مخابره اطلاعات و کنترل دریافت‌کنندگان پیام‌ها را ندارد، باید در جست‌وجوی راهی مطمئن برای حفظ ارزش‌های فرهنگی جامعه بود. افزون بر این، از آنجا که هویت هر جامعه، نتیجه اطلاعات ملی، دینی و فرهنگی آن جامعه است، در صورت هر گونه تغییر در این اطلاعات، ضروری است که آگاهی‌های لازم به تدریج و برحسب نیاز روزمره به مخاطبان انتقال یابد تا از فروپاشی وحدت نظر در الگوهای ارزشی و دینی جلوگیری شود. می‌توان گفت رسانه‌ها بر شیوه‌های رفتاری، نحوه سلوک‌ها و سلاقی عمومی در جامعه تأثیر می‌گذارند و از بین همه این وسایل، تلویزیون قدرتمندتر از بقیه عمل می‌کند. تلویزیون به عنوان رسانه‌ای جمعی می‌تواند همانند یک مرکز قدرتمند فرهنگی، نظام خویشاوندی، آداب و رسوم، ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، زبان، هنر و ادبیات را که زیربنای هویت جامعه محسوب می‌شوند، تحت تأثیرات مثبت و منفی قرار دهد و با بهره‌گیری از فنون ارتباطی بر ایده‌های فرهنگی و نگرش‌های مردم تأثیر بگذارد. به ویژه در جوامعی که انسان‌ها بلوغ اجتماعی و قدرت نقد، سنجش علمی، اندیشیدن و

تشخیص درست از نادرست را ندارند، تخریب فرهنگی اجتماعی بیشتر اتفاق می‌افتد و تضاد ارزش‌ها می‌تواند به هرج و مرج فکری افراد جامعه بینجامد. اما اگر موضوع و سوژه‌های برنامه‌ها متناسب با روابط اجتماعی و هماهنگ با اعتلای سطح فرهنگی جامعه باشد، باعث ارتقای فرهنگی، انسجام اجتماعی و ثبات هویت فرهنگی و اجتماعی می‌شود. بنابراین می‌توان رسانه‌ها را از مهم‌ترین عناصری دانست که شکل‌دهنده ارزش‌ها، ایده‌ها و سرمایه اجتماعی جامعه هستند و باید آنها را به لحاظ تأثیرگذاری بر فرایند افزایش سرمایه اجتماعی به عنوان منابعی ارزشمند دانست و مطالعه کرد.

بررسی موضوع جایگاه اجتماعی سالمندان نیز خودبه‌خود از دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات اهمیت دارد. زیرا در جامعه امروزی عواملی چون صنعتی شدن، توسعه فناوری، گسترش لجام‌گسیخته اقتصاد سرمایه‌داری و نفوذ خیره‌کننده ارتباطات و فرآورده‌های فرهنگی آن، هر روزه نه تنها زندگی مادی و اقتصادی مردم، بلکه چارچوب‌های نمادین سنجش آنها را دگرگون می‌کند. همچنین، پیوسته از دانش‌ها، مهارت‌ها، باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها و قواعد و رسوم رفتاری، اخلاقی و مذهبی سؤال می‌کند و آنها را محل تردید قرار می‌دهد. در چنین شرایطی عقب‌نشینی، انزوای طلبی و جست‌وجوی ریشه‌های فرهنگی و قومی به منظور کاستن از این شتاب روزافزون نمایان می‌شود. در این شرایط افراد به تقویت سرمایه اجتماعی نیاز دارند؛ زیرا به وسیله آن از پیچیدگی و سرعت مسائل می‌کاهند و می‌توانند نظم نسبی در زندگی خود و دنیای اطرافشان ایجاد کنند (Koochek A, Johansson S-E, Kocturk. 2007:25).

شناخت جایگاه هر فرد، عامل مثبتی برای گشایش در برابر دیگران یا راهی به سوی خویش‌اندیشی و انزوا، برقراری ارتباط متقابل با دیگران و داشتن کنش‌های متقابل موفقیت‌آمیز از طریق شناخت جایگاه اجتماعی خود و دیگران است. یعنی اگر افراد بتوانند جایگاه خود و دیگران را دقیقاً بشناسند و تعریفی صحیح از خود و دیگران داشته باشند، در نحوه برقراری ارتباط با دیگران موفق‌تر عمل خواهند کرد و از خود وجهه مثبتی در نظر دیگران به جای خواهند گذاشت (کیذقان، ۱۳۸۰: ۴). درباره اهمیت مطالعه حاضر باید گفت که رسانه‌های جمعی، به طور کلی و تلویزیون، به طور خاص

از جمله منابع مهم تأثیرگذار بر ارزش‌ها و باورها و تعیین‌کننده در شکل بخشیدن به جایگاه اجتماعی افراد در همه جوامع و جامعه ما هستند. از این رو، شناخت این موضوع که اولاً برنامه‌های تلویزیون به لحاظ فرهنگی تا چه حد بر مخاطبان خود در زمینه جایگاه اجتماعی سالمندان تأثیر می‌گذارند، ثانیاً این تأثیرات سازنده است یا مخرب و ثالثاً چگونه می‌توان کانال تأثیرگذاری این رسانه بااهمیت را در حفظ جایگاه اجتماعی سالمندان در جامعه هدایت کرد، مهم است. در این پژوهش به چند دسته از نظریات به طور همزمان توجه شده است، از جمله نظریات سالمندی، نظریات خانواده‌درمانی و نظریات ارتباطی و رسانه که با توجه به تمرکز پژوهش بر نقش رسانه نظریات ارتباطی و رسانه به طور خاص مد نظر قرار گرفته است. در تحقیق حاضر، مسئله اصلی این است که جایگاه اجتماعی سالمندان تهرانی در خانواده چگونه است و تلویزیون در ایجاد و شکل‌دهی به این جایگاه چه نقشی ایفا می‌کند؟

پیشینه تحقیق

باقر ساروخانی و مینا قریب (۱۳۹۳) در تحقیقی دانشگاهی به ساختار خانواده و تأثیر آن بر جایگاه سالمندان پرداخته‌اند. این مقاله در صدد یافتن علل ساختاری خانواده‌هایی است که با دفع یا طرد سالمند خود، این وظیفه را مغفول گذاشته و سالمند را به سرای سالمندان می‌سپارند. مقایسه عوامل ساختاری در دو نوع خانواده که پذیرای مراقبت سالمند خود هستند و خانواده‌ای که سالمند را به سرای سالمندان می‌فرستند، مهم‌ترین یافته این پژوهش است. روش این پژوهش، توصیفی تبیینی بوده و در بین دو گروه ۲۲۰ نفره از سالمندان مقیم منزل (با نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای) در مقایسه با ساختار خانوادگی سالمندان مقیم سرای سالمندان کهریزک (با روش نمونه‌گیری تصادفی) انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نگره‌داشت سالمند در خانواده یا طرد او تابعی از نحوه ارتباطات، مفاهیم، وفاق و هنر مدیریت گفت‌وگو در خانواده است. بین ساختار خانواده در زمینه اعتماد درون خانوادگی و جایگاه سالمند در خانواده، ارتباط وجود دارد. میزان همدلی در درون خانواده، در نگره‌داشت یا طرد سالمند، عنصری معنادار است. وضعیت پایگاه اجتماعی و اقتصادی سالمند در جایگاه

او مؤثر بوده و بالاخره اندازه مکان زندگی خانواده در «جذب» یا «دفع و فرستادن سالمند به سرای سالمندان» مؤثر است.

زینب کاوه فیروز (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان «وضعیت کیفیت زندگی سالمندان شهر تهران» انجام داده است که جامعه آماری آن را تمام سالمندان ۶۵ ساله و بیشتر ساکن شهر تهران تشکیل داده‌اند و نمونه تحقیق ۳۸۴ نفر است. او مناطق مختلف شهر تهران را که در سطوح متفاوت اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی قرار دارند، به عنوان نمونه تحقیق انتخاب و سطح کیفیت زندگی سالمندان را با در نظر گرفتن عوامل مذکور بررسی کرده است. رویکردهای نظری و نمونه‌ای در زمینه سلامت سالمندان با تأکید بر حیطه‌های کیفیت زندگی عبارت‌اند از: سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی و محیطی. براساس این تحقیق، میانگین حیطه‌های سلامت به تفکیک جنس عبارت‌اند از سلامت جسمانی: مرد ۵/۵۵ و زن ۴/۴۱، سلامت روانی: مرد ۸/۶۳ و زن ۱/۵۴، سلامت اجتماعی: مرد ۳/۶۳ و زن ۹/۴۲، سلامت محیطی: مرد ۵/۴۷ و زن ۸/۴۷ توزیع درصد نمونه آماری برحسب میانگین حیطه‌های سلامت به تفکیک وضع تأهل عبارت‌اند از سلامت جسمانی: همسر دار ۱/۵۳، بی‌همسر ۴/۳۹؛ سلامت روانی: همسر دار ۶/۶۱، بی‌همسر ۹/۵۳؛ سلامت اجتماعی: همسر دار ۱/۵۹، بی‌همسر ۶/۳۳؛ سلامت محیطی: همسر دار ۶/۴۸، بی‌همسر ۱/۴۷. بنابراین در تمام حیطه‌های کیفیت زندگی مرتبط با سلامت، به جز چند مورد، وضعیت مردان از زنان بهتر است.

صادق صمدی و دیگران در مطالعه آگاهی، نگرش و عملکرد سالمندان به شیوه زندگی سالم در دوران سالمندی، رویکرد شیوه زندگی سالم را با استفاده از پرسشنامه در سال ۱۳۸۲ بر ۷۵۰ سالمند تهرانی بررسی کرده‌اند. میانگین امتیازهای کسب‌شده آقایان به طور معنی‌داری بیشتر از خانم‌ها و سالمندان عضو در انجمن‌ها و تشکل‌ها بیشتر از سالمندان غیرعضو بود. به طور کلی افراد مطالعه‌شده از میزان آگاهی، نگرش و عملکرد نسبتاً کمی درخصوص شیوه زندگی سالم برخوردار بودند که لزوم برنامه‌ریزی دقیق و جامع و آموزش درباره شیوه زندگی سالم به سالمندان را نشان می‌دهد.

لوبی هاریس^۱ در مطالعه‌ای که درباره سالمندی^۲ انجام داده است، می‌گوید تقریباً یک سوم (۳۱ درصد) افراد بازنشسته یا بیکار بالای ۶۵ سال اظهار کرده‌اند که کار کردن

را دوست دارند. ۴۳ درصد از افراد این گروه که درآمدی زیر سه هزار دلار در سال داشته‌اند، خواستار کار کردن بوده‌اند، در حالی که از میان افرادی که درآمد پانزده هزار دلار و بیشتر داشته‌اند، فقط ۲۳ درصد به کار کردن تمایل نشان دادند. اما وقتی از آنها پرسیده شد که اگر ممکن باشد، آیا مایلند شغل پیشین خود یا مشاغل جدید را انجام دهند، ۷۱ درصد آنها باصراحت اعلام کرده‌اند که به هیچ یک توجه ندارند. فقط ۱۱ درصد خاطر نشان کرده‌اند که کار کردن را در نظر دارند و ۹ درصد هم گفته‌اند که حتماً باید کار کنند. اما چه چیزی افراد را در صورت تمایل از کار باز می‌دارد؟ بیش از یک‌چهارم افراد، پیری و سن زیاد را دلیل این امر می‌دانند.

آلفرد کلارک در مطالعه‌ای نشان می‌دهد که افراد دارای وضع عالی، در بازی‌ها، کنسرت‌ها، سخنرانی‌ها، گردهمایی‌ها، تئاترها، سینماها و موزه‌ها حضور می‌یابند، مطالعه و تخیل می‌کنند، شطرنج بازی می‌کنند، در خانه از وسایل سرگرمی و تفریحی استفاده می‌کنند و خود را در امور جامعه مشغول و درگیر می‌سازند. افراد دارای وضعیت متوسط، بازی‌های فوتبال، گلف، میهمانی‌ها و دید و بازدیدهای شبانه را دوست دارند، در حالی که اشخاص دارای وضعیت پایین‌تر، ماهی‌گیری، بیس‌بال، استفاده از نوشیدنی‌ها و رانندگی را ترجیح می‌دهند. این الگوها تا حدی به علت دگرگونی در شیوه‌های زندگی و نگرش‌ها و ترجیحات مربوط به فعالیت‌های ایام فراغت تغییر یافته‌اند؛ برای مثال بازی تنیس در بین گروه‌های عالی و متوسط و کارهای دستی و هنری نظیر نقاشی، خیاطی و نجاری در بین گروه‌های متوسط و پایین محبوبیت بیشتری یافته‌اند. همین که افراد مسن‌تر می‌شوند، تا حدی ترجیحات آنها برای اشتغال به فعالیت‌های ایام فراغت تغییر خواهد کرد. زیرا از این طریق می‌توانند با افراد هم‌سن و با گروه‌هایی در سنین متوسط و جوان سرگرم باشند. مثلاً می‌توانند در انجمن‌ها و سازمان‌ها و نهادها شرکت کنند و آنها را از تجارب باارزش و پرمعنای خود بهره‌مند سازند. این امور امکان‌پذیرند، زیرا نه تنها جامعه نسبت به نسل گذشته سالم‌تر، فعال‌تر و بانضباط‌تر می‌شود، بلکه می‌تواند برای زندگی بازنشستگان در سال‌های بازنشستگی جایگاهی مورد علاقه باشد.

چارچوب نظری

در این بخش ابتدا به جایگاه سالمندان در اسلام و سپس به نظریات مرتبط با سالمندی و نیز نظریه کاشت گریبر به عنوان چارچوب نظری توجه می‌شود.

حقوق سالمندان از نگاه اسلام

از بررسی روایات به روشنی می‌توان به جایگاه ویژه سالمندان در دین اسلام پی برد. اسلام به واقع برای سالمندان حقوق خاصی قائل شده است و از جامعه و افراد می‌خواهد در ادای این حقوق کوشا باشند. پیش از هر چیز توجه به این نکته بسیار ضروری است که حقوق سالمندان و متعاقب آن وظایف ما در قبال آنان، به هیچ روی بر اساس عقایدی چون ضعف، ازکارافتادگی، نیازمندی، فرتوتی و... نیست، بلکه بیشتر مبتنی بر مفاهیمی چون بزرگی، شکوه، تجربه، دانایی و... است. به دیگر سخن، توصیه اسلام برای احترام سالمندان بر مبنای انسانیت و بزرگی آنان است.

از این منظر، پیر و سالمند، انسانی است که پیش از اینکه نیازمند ما باشد، ما به او نیاز داریم. در واقع سالمندان باورهای وجودی خانواده و جامعه هستند که سرد و گرم روزگار را چشیده‌اند و افراد جامعه برای بنای یک زندگانی انسانی می‌توانند از این پشتوانه حکمت، خردمندی و فرزاندگی استفاده کنند. در این زمینه پیامبر گرامی می‌فرماید: «الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ؛ هر پیری در میان طایفه‌اش همچون پیامبری در میان امتش است» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۹۷ و ۳۹۸).

«این حدیث شریف اشاره به همان نقش محوری، فروغ‌بخشی، صفاآوری، هدایت و ارشاد، تجمع و الفت است که در وجود آنان نهفته است. پس اگر بزرگترها در فامیل و خانواده، چراغ روشنی‌بخش و محور وحدت و همدلی و عامل انس و ارتباط و رفت و آمدهای خانوادگی‌اند، باید این جایگاه، محفوظ بماند و مورد حراست و تقویت قرار گیرد» (محدثی، ۱۳۸۲: ۲۹۷).

پیامبر گرامی اسلام (ص) و به تاسی از آن حضرت، ائمه اطهار سفارش‌ها و سخنان بسیار زیاد و متنوعی درباره احترام و بزرگداشت سالخوردگان بیان نموده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

رسول اکرم (ص) درباره احترام به شخصیت کهنسالان فرموده است: «مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ؛ یکی از صور تکریم و تعظیم ذات اقدس الهی، احترام و تجلیل سالخوردهگان مسلمان است» (کلینی، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

امام صادق (ع) می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا وَ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا؛ کسی که به بزرگسالان ما احترام نگذارد و به کودکان ما ترحم نکند از ما نیست» (مجلسی، ۱۴۰۵: ج ۳۸، ۷۲).

همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ لَا يَجْهَلُ حَقَّهُمْ إِلَّا مُنَافِقٌ مَعْرُوفٌ بِالنِّفَاقِ ذُو الشَّيْبَةِ فِي الْإِسْلَامِ وَ حَامِلُ الْقُرْآنِ وَ الْإِمَامُ الْعَادِلُ؛ سه کس هستند که حق آنها را نادیده بگیرد کسی جز منافقی که به نفاق معروف است، کسی که مویش را در اسلام سپید کرده و آنکه قرآن را در بردارد، و پیشوای عادل» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۶۵۸).

همچنین رسول خدا (ص) به هنگام وفات در وصیت به حضرت علی (ع) فرمودند: «وَ ارْحَمْ مِنْ أَهْلِكَ الصَّغِيرَ وَ وَفِّرْ مِنْهُمْ الْكَبِيرَ؛ در خانواده خود با کودکان عطف و مهربان باش و بزرگترها را احترام کن» (مجلسی، ۱۴۰۹: ج ۷۵، ۲۲).

همچنین فرمودند: «مَنْ عَرَفَ فَضْلَ كَبِيرٍ لِسِنِّهِ فَوَقَّرَهُ أَمَنَهُ اللَّهُ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ کسی که نسبت به فضیلت شخص مسن شناخت داشته باشد و او را احترام کند، خدا او را از وحشت روز قیامت در امان می‌دارد» (حرعاملی، ۱۰۸۲: ج ۱۲، ۹۸).

در جای دیگر آن حضرت احترام و بزرگداشت سالخوردهگان را احترام به خداوند دانسته و می‌فرماید: «بَجُّلُوا الْمَشَائِخَ فَإِنَّ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ تَبْجِيلَ الْمَشَائِخِ؛ پیران را تجلیل کنید، زیرا احترام به بزرگسالان تجلیل از خداست» (مجلسی، ۱۴۰۹: ج ۷۵، ۱۳۶).

در این حدیث دو لفظ «بجل» و «تبجیل» اهمیت دارند، زیرا معنی لغوی دقیق تبجیل علاوه بر تعظیم و احترام، شادرویی و مهر و محبت را نیز در برمی‌گیرد، بنابراین ترجمه دقیق حدیث این است که باید بزرگسالان را توأم با مهربانی و خوشرویی احترام کرد (عبدالله، ۱۳۷۷: ۶۳).

در حدیث دیگری در باب بزرگداشت سالمندان، اکرام و اعزاز بزرگسالان را موجب افزایش روزی و برکت دانسته است. «الْبِرْكَةُ مَعَ أَكْبَرِكُمْ؛ وجود پیران سالخورده بین شما باعث افزایش فیض ربوبی و بسط نعمت‌های الهی است» (مجلسی، ۱۴۰۹: ج ۷۵، ۱۳۸).

محمد ابن حسن فتال نیشابوری در روضه الواعظین درباره بزرگداشت سالمندان از پیامبر اکرم آورده است که فرمودند: «لَا يُوسَّعُ الْمَجْلِسُ إِلَّا لِثَلَاثٍ الَّذِي سَنَ لِسْتَهُ وَذِي الْعِلْمِ وَلِذِي السُّلْطَانِ لِسُلْطَانِهِ؛ در مجلس فقط برای سه گروه باید جا باز کرد: برای سالخوردهگان به حرمت سن و سال ایشان، برای دانشمند به سبب علم او و برای افراد قدرتمند به سبب قدرت ایشان» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۲، ۴۷۶).

همچنین خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا آيَاءَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا» و خدای تو فرمان داده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود نیکی کنید و هرگاه یکی از آنان یا هر دو نفرشان پیر شوند، کوچک‌ترین کلمه‌ای که موجب رنجش آنان شود بر زبان نیاور و کمترین آزار به ایشان نرسان و همواره با آنان محترمانه سخن گوی و پر و بال تواضع و مهربانی‌ات را به نزدشان بگستران و بگو: پروردگارا ایشان را مورد رحمت خود قرار ده، همان‌گونه که آنان مرا در کودکی تربیت و پرورش دادند (اسراء: ۲۳ و ۲۴).

نظریه‌های سالمندی:

● نظریه فرسودگی و نابودی (Wear-and-tear theory)

این نظریه بدن انسان را به مثابه ماشینی فرض می‌کند که به هنگام فرسودگی قطعاتش عملکرد خود را از دست می‌دهد. با پیر شدن افراد، سلول، بافت و اندام‌ها به وسیله تنش‌زاهای داخلی و خارجی آسیب می‌بینند. وقتی قسمت‌های مختلف بدن به حد خاصی آسیب ببینند، عملکرد کلی بدن کاهش می‌یابد. این نظریه همچنین پیشنهاد می‌کند که اعمال حافظ سلامتی، میزان فرسودگی و نابودی را کاهش داده و به عملکرد بهتر و طولانی‌تر بدن می‌انجامد.

● نظریه ایمنی‌شناختی (Immunologic theory)

این نظریه می‌گوید سالمندی عملکردی از تغییرات سیستم ایمنی است. بر اساس این نظریه سیستم ایمنی (سازوکار دفاعی مهم بدن) در طول زمان تضعیف شده و سالمند در برابر بیماری مستعدتر می‌شود. نظریه ایمنی همچنین پیشنهاد می‌کند که افزایش بیماری‌های خودایمنی و آلرژی در سالمندی به وسیله تغییرات سیستم ایمنی

ایجاد می‌شود.

● نظریه‌های روانی اجتماعی (Psychosocial)

این نظریه، چرایی تغییرات فیزیکی سالمندی را شرح نمی‌دهند، بلکه سعی دارند چرایی تفاوت پاسخ‌های سالمندان به فرآیند سالمندی را توضیح دهند.

● نظریه‌ی رهایی از قیود (Disengagement)

این نظریه برای توضیح چرایی جدایی سالمندان از جریان اصلی جامعه به وجود آمد و می‌گوید افراد سالمند به طور سیستماتیک از جامعه جدا و منزوی می‌شوند، زیرا در جامعه به عنوان یک کل، احساس مفید بودن نمی‌کنند. همچنین بیان می‌کند که سالمندان هنگام پیری به جدایی از جامعه تمایل دارند، به طوری که رهایی از قیود برای دوطرف (سالمند و جامعه) سودمند است. منتقدان معتقدند این نظریه سعی در توجیه سالمندی دارد، تطابق روانی با سالمندی را به طور سطحی شرح می‌دهد و نمی‌تواند تنوع و پیچیدگی سالمندان را نشان دهد.

● نظریه‌ی فعالیت (Activity theory)

بر اساس این نظریه، فعالیت کردن برای داشتن سالمندی موفق، ضروری است. مشارکت فعال در فعالیت‌های جسمی و ذهنی به حفظ عملکرد خوب در سنین پیری کمک می‌کند. فعالیت‌های هدف‌دار و تعاملی که باعث ارتقای اعتماد به نفس می‌شوند، رضایت کلی از زندگی را حتی در یک فرد سالمند بهبود می‌بخشند. دیده شده است که در فعالیت‌های سرگرم‌کننده و تعامل اتفاقی با دیگران، اعتماد به نفس سالمندان بهبودی نمی‌یابد.

● نظریه‌های دوره‌ی زندگی (Life-Course theories)

این نظریه‌ها که شاید در حوزه‌ی پرستاری شناخته‌شده‌تر باشند، اثر شخصیت و تطابق شخصی را در طول زندگی فرد نشان می‌دهند. بسیاری از این نظریه‌ها در تعیین وظایف محوری زندگی فرد سالمند بسیار اختصاصی هستند. در ادامه سه نظریه رایج‌تر یعنی نظریه اریکسون، نظریه‌ی هاوی‌یورست و نظریه‌ی نیومن بیشتر توضیح داده می‌شوند.

● نظریه شخصیت اریکسون (Erikson's-personality-theory): این نظریه هشت مرحله

مهم تکاملی را که یک فرد در طول زندگی با آنها مواجه می‌شود، تعیین می‌کند: ۱. اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی؛ ۲. استقلال در مقابل شک و تردید و خجالت؛ ۳. ابتکار در

مقابل احساس گناه؛ ۴. صنعت در مقابل احساس حقارت؛ ۵. احساس هویت در مقابل احساس بی‌هویتی؛ ۶. صمیمیت در مقابل انزوا؛ ۷. مولد بودن در مقابل رکود؛ ۸. کمال در مقابل یأس.

آخرین مرحله، محدوده کهنسالی است، ولی نارسایی در کسب موفقیت در مراحل قبلی می‌تواند باعث ایجاد مشکلاتی در مراحل بعدی شود. کهنسالی زمانی است که افراد به طور طبیعی زندگی‌شان را مرور کرده و تعیین می‌کنند که آیا در مجموع مثبت یا منفی بوده‌اند. مثبت‌ترین برآیند این مرور زندگی، خردمندی، درک و پذیرش و منفی‌ترین برآیند آن شک، احساس گناه و ناامیدی است.

● نظریه‌های یورس (Havighurst theory): این دیدگاه فرآیند پیری را به تفصیل بیان کرده و وظایف خاص اواخر زندگی شامل تطابق با کاهش قوای جسمی و سلامتی، تطابق با بازنشستگی و کاهش درآمد، تطابق با فقدان همسر، ایجاد روابط با گروه سنی خود، تطابق با نقشه‌های اجتماعی به شیوه انعطاف‌پذیر، و ایجاد نظم رضایت‌بخش در زندگی را تعریف می‌کند.

● نظریه نیومن (Newman theory): نظریه نیومن وظایف سالمندی را به صورت زیر تعیین می‌کند: ۱. تطابق با تغییرات جسمی سالمندی؛ ۲. هدایت مجدد انرژی برای فعالیت‌ها و نقش جدید شامل بازنشستگی، پدربزرگ، مادربزرگ و بیوه‌گی؛ ۳. پذیرش زندگی خود؛ ۴. ایجاد یک دیدگاه درباره مرگ.

● نظریه کاشت (Cultivation-Theory)
تحلیل قدرتمند بودن یا نبودن یک رسانه و چگونگی تأثیرگذاری آن به جایگاه فرهنگی آن رسانه در جامعه بستگی دارد. برای مثال رسانه مد نظر مک لوهان، رسانه‌ای است که بر جامعه آمریکایی تأثیرگذار است، نه بر جوامع غیرآمریکایی. لذا توجه به جایگاه فرهنگی یک رسانه در جامعه در انتخاب دیدگاه‌های رسانه‌ای آن جامعه نکته درخور توجهی است. نظریه‌ای که به نظر می‌رسد در حوزه ادبیات تأثیر رسانه‌ها، سنتی رفتارگرا دارد، نظریه کاشت جرج گربرنر^۳ است که در پژوهش حاضر به عنوان ابزاری برای تبیین موضوع از آن استفاده خواهد شد.

نظریه کاشت، حاصل تحقیقات جرج گربرنر در اوایل دهه ۶۰ بر پروژه «مطالعه

شاخص‌های فرهنگی» است. این پروژه در حدود دو دهه ادامه داشت و موضوع خشونت در برنامه‌های تلویزیونی را بررسی می‌کرد.

این پروژه بر موضوع خشونت متمرکز بود که در حاکم شدن جو وحشت و اضطراب بر ملت آمریکا بعد از ترور جان اف کندی، سناتور رابرت کندی و مارتین لوتر کینگ در مدت زمان کمی ریشه داشت. این فضا باعث تشکیل کمیسیون ویژه‌ای از سوی لیندون جانسون، رئیس جمهوری وقت آمریکا برای بررسی علل خشونت و راه‌های مقابله با آن شد. گروه رسانه‌ای این کمیسیون، خلاصه‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه خشونت رسانه‌ای تهیه کرد و خود نیز برای دستیابی به اطلاعات قابل اعتماد در این زمینه مطالعات مستقلی انجام داد. این بررسی نقطه آغاز طرح مطالعاتی موسوم به شاخص‌های فرهنگی بود که به بررسی محتوای برنامه‌های تلویزیونی و تأثیر آن بر ادراک و رفتار گروه‌های مختلف بینندگان اختصاص یافت (Gerebner, 1988).

گرینر در این مطالعه، بینندگان تلویزیون را بر حسب تعداد ساعت‌هایی که تلویزیون تماشا می‌کنند به دو گروه بینندگان پرمصرف^۴ که بیش از چهار ساعت تلویزیون می‌بینند و بینندگان کم‌مصرف^۵ که کمتر از دو ساعت تلویزیون می‌بینند، تقسیم کرده بود (Griffin, 2000: 24).

او در پرسشنامه‌ای که به هر یک از سؤالات آن درباره ابعاد خشونت دو نوع پاسخ داده شده بود، از پاسخگویان خواسته بود تا نظر خود را درباره اینکه کدام پاسخ به حقیقت نزدیک‌تر است، بیان کنند. یکی از پاسخ‌ها به رقمی که در واقعیت وجود داشت، نزدیک بود (پاسخ واقعی) و پاسخ دیگر به رقمی که تلویزیون نشان می‌داد (پاسخ تلویزیونی). تحلیل یافته‌های پیمایش نشان داد تماشاگران پرمصرف و کم‌مصرف به سؤالات این پرسشنامه پاسخ‌های متفاوتی می‌دهند و تماشاگران پرمصرف اغلب پاسخ‌هایی را انتخاب می‌کنند که به آنچه از تلویزیون نشان داده شده، نزدیک‌تر است. به عنوان مثال در بررسی‌ها پرسیده شده بود چند درصد از جمعیت دنیا در آمریکا زندگی می‌کنند. در حالی که پاسخ درست این پرسش، ۶ درصد است، تماشاگران پرمصرف نسبت به تماشاگران کم‌مصرف گرایش بیشتری به اغراق در این رقم داشتند. بدیهی است که

شخصیت اصلی در برنامه‌های تفریحی تلویزیون، تقریباً همیشه آمریکایی‌اند. سؤال دیگر این بود که چند درصد از آمریکایی‌ها در مشاغل پلیسی و قضایی کار می‌کنند و در حالی که پاسخ درست یک درصد است، تماشاگران پرمصرف در مقایسه با تماشاگران کم‌مصرف، رقم‌های خیلی بالاتری ذکر می‌کردند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۳۹۰).

گربنز در سال ۱۹۸۲ با تکرار چنین مطالعاتی و به دست آوردن نتایج مشابه، اعلام می‌کند که تحت تأثیر محتوای غالب برنامه‌های تلویزیونی (خشونت)، تصور تماشاگران پرمصرف از آمار واقعی مشاغل درگیر با خشونت، بدگمانی و سوءظن عمومی به مردم، افزایش احتمال در معرض خشونت قرار گرفتن، ترس از پیاده‌روی تنها به هنگام شب و... به تدریج به صورت اغراق‌آمیز نمود می‌یابد (Kenny, 2000: 3).

در حقیقت، بینندگان پرمصرف تحت تأثیر محتوای خشونت‌آمیز برنامه‌های تلویزیونی، باورهای اغراق‌آمیزی از خشونت در جهان واقعی پیدا می‌کنند و جهان را بیش از آنچه واقعاً هست، ناامن و خطرناک می‌پندارند. تلویزیون ممکن است تماشاگران پرمصرف را به درک دنیایی پست^۶ سوق دهد (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۳۹۱).

عادات و اسلوب و نوع رویارویی با پیام‌های رسانه‌ای، طی مدت زمانی طولانی، حالت باثباتی دارد و تحلیل کاشتی سعی دارد پیامدهای حضور تلویزیون را در روندهای باثبات زندگی و وضعیت ثبات محیط‌های زیست تبیین کند. هدف این شیوه، تحلیل فهم تغییرات و استحاله تدریجی و طولانی‌مدت روند اجتماعی شدن نسل‌هاست، نه تغییرات ناگهانی و کوتاه‌مدت در عقاید و رفتار افراد.

گونه‌شناسی جایگاه سالمندان در خانواده^۷

اندیشمندان اجتماعی و علوم زیستی همواره به پیری یا سالمندی به عنوان واپسین دوره زندگی انسان توجه کرده و می‌کنند. این دوره از زندگی که معمولاً با افزایش سن برای افراد مطرح می‌شود، در بسیاری از موارد مسائلی چون ضعف قوای جسمانی، ازکارافتادگی، معلولیت، تنهایی، بیماری و احتمالاً بی‌سرپرستی، فقر و تنگدستی را به همراه دارد. بروز این گونه مسائل برای سالمندان بسته به اینکه فرد کهنسال در چه خانواده‌ای، جامعه‌ای و با چه فرهنگی زندگی می‌کند، از نظر کیفی و

کمی با تفاوت‌های بسیاری همراه است (سام آرام، ۱۱۳: ۱۳۷۰). از این رو توجه به گونه‌های مختلف جایگاه سالمندان در خانواده برای دقیق‌تر پرداختن به موضوع سالمندی اهمیت زیادی دارد.

جایگاه محوری

در این جایگاه، سالمند به عنوان عنصر اصلی و تأثیرگذار در کانون خانواده مطرح می‌شود و در اتخاذ تصمیم‌های اساسی در خانواده نظیر ازدواج فرزندان، حفظ ارتباطات فAMILI، خرید املاک، تعیین محل زندگی و سایر تصمیم‌های محوری، نقش بسیار مهمی داشته و می‌توان گفت هیچ اتفاقی خلاف میل سالمند و بدون کسب نظر وی رخ نمی‌دهد. البته به این جایگاه از دو منظر می‌توان نگاه کرد:

در دیدگاه اول، کسب این جایگاه توسط سالمند در خانواده از جهت تکریم و عزت سالمند در خانواده است که می‌توانیم این خانواده را سالمندمحور بنامیم. در این وضعیت، سالمند از احترام واقعی برخوردار است و اعضای خانواده از سر صدق و دوست داشتن از وی اطاعت امر می‌کنند، نه از روی ترس و ناچاری. در خانواده‌های سنتی و نوع گسترده خانواده این گونه تا حد زیادی مشاهده می‌شود. برخورداری سالمند از این جایگاه و مرتبه اجتماعی سبب سلامت روحی و تا حدی جسمی نیز در او شده و فرد سالمند تا آخر عمر در رضایت کامل به سر می‌برد و خانواده جوان‌تر نیز در پرتو تجربیات و راهنمایی‌های فرد سالمند به صورت بهینه، امر خود را پیش می‌برد. در دیدگاه دوم که گاه از آن به پیرسالاری نام می‌برند، اعضای خانواده بر خلاف میل باطنی‌شان و از سر ناچاری به تبعیت از فرد سالمند تن داده و همواره نمایشی از تکریم سالمند را اجرا می‌کنند. در این جایگاه، سالمند با اقتداری که از فرهنگ و عرف و سنت و آداب پیشینیان کسب کرده است، سیطره خود را بر خانواده حفظ می‌کند و تمامی تصمیم‌های اساسی با رأی و نظر او گرفته می‌شود. ارتباط اعضای خانواده در این گونه خانواده‌ها ممکن است همراه با صداقت نبوده و ناشی از ترس باشد. ولی به هر حال از آنجا که حرمت فرد سالمند گرچه به ظاهر حفظ می‌شود، باعث تقویت اعتماد به نفس در سالمند شده و سلامتی اجتماعی و روحی را برای وی در بر خواهد داشت.

نکته شایان ذکر، این است که در هر دو دیدگاه مذکور سالمند ممکن است در منزل مسکونی جداگانه یا به همراه خانواده و فرزندان در یک محل مسکونی زندگی کند.

جایگاه پیرامونی

گاه سالمندان در خانواده همانند سایر اعضا بدون اینکه نقشی پررنگ‌تر یا ضعیف‌تر داشته باشند، زندگی می‌کنند. در این جایگاه افراد سالمند همانند دیگران از احترام متقابل برخوردارند و در مقابل خانواده تعهدات و وظایفی نیز دارند. معمولاً تصمیمات در این گونه موارد به صورت مشترک گرفته می‌شود و سالمند نیز مانند دیگر اعضای خانواده در امور مشارکت می‌کند. شاید بتوان گفت میزان صمیمیت بین سالمند و سایر اعضای زیاد بوده و از در کنار هم بودن بیشتر بهره می‌برند تا زیان. خانواده می‌تواند از فرد سالمند در نگهداری کودکان کمک بگیرد و از تجربیات وی استفاده کند. در این شکل نیز سالمند در محل مسکونی مستقل یا همراه خانواده زندگی کند.

جایگاه حاشیه‌ای

در این شکل سالمند گرچه با خانواده زندگی می‌کند، تنها از خانه به عنوان محل سکونت استفاده می‌کند و نه تنها هیچ نقشی در تصمیم‌گیری و پیشبرد خانواده ندارد، بلکه تا حدی ممکن است از طرف سایر اعضای خانواده تحقیر شود و بی‌حرمتی ببیند. در این جایگاه به فرد سالمند به عنوان سربار نگریسته می‌شود و در واقع خانواده، فرد سالمند را تا پایان عمر تحمل می‌کند. سالمند نیز در این وضعیت به شدت از زندگی ناراضی بوده و در مواقعی آرزوی مرگ می‌کند و گاه با پرخاشجویی و لجاجت سعی می‌کند با بدرفتاری‌های خانواده مقابله کند. فرد سالمند در این موقعیت خواهان جدایی از خانواده است که اغلب به دلیل مشکلات مالی یا نداشتن سلامت کافی برای زندگی به تنهایی، این امر مقدور نمی‌شود و متأسفانه چالش‌های مداومی بین فرد سالمند و جوان‌ترهای خانواده در جریان است.

این گونه به زمانی مربوط می‌شود که فرد سالمند در خارج از کانون توجه اعضای

خانواده قرار دارد و گرچه به لحاظ فیزیکی ممکن است سالمند در کنار اعضای خانواده باشد، از لحاظ ارتباطی و صمیمیت هیچ جایگاهی در خانواده ندارد و به عنوان یک عضو مزاحم پنداشته می‌شود.

در این جایگاه سالمند که پس از سال‌ها تلاش و فعالیت برای خانواده از احترام و منزلتی برخوردار نیست، دچار یأس و افسردگی و عزلت می‌شود و از فعالیت‌های اجتماعی کناره می‌گیرد. در واقع سالمند ممکن است در این وضعیت از استراتژی انزوا استفاده کند یا به مبارزه با فرزندان و تحریم آنها از ارث پردازد و از ارتباطات حداقلی استفاده کند. عده‌ای از سالمندان در این گونه، به‌طور جداگانه زندگی می‌کنند و هیچ رابطه‌ای با فرزندان و خانواده خود ندارند یا ارتباطات آنها در حد بسیار کم است. عده‌ای دیگر از این افراد در خانه‌های سالمندان به سر می‌برند که البته گاه و بی‌گاه فرزندان و اعضای خانواده به آنها سر می‌زنند.

جایگاه گمنام (طردشده)

این جایگاه به زمانی مربوط می‌شود که فرد سالمند به صورت کاملاً تنها و گمنام زندگی می‌کند و هیچ‌گونه ارتباطی با اعضای خانواده ندارد. گاهی اتفاق افتاده است که سالمندی در منزل مسکونی خود فوت کرده است و پس از گذشت چند روز، همسایگان از فوت وی مطلع شده و به مراجع مسئول اطلاع داده‌اند. همچنین گاهی مواقع خانواده یا بستگان یا همسایگان، سالمند را به مراکز نگهداری می‌سپارند و او برای سالیان سال از فرزندان و خانواده بی‌خبر است. گاه تا آخر عمر با همین وضعیت در این مراکز زندگی می‌کند و کاملاً گمنام است. درباره مشکلات این دسته از سالمندان مطالعات زیادی انجام شده است که همگی حاکی از نارضایتی این افراد از وضعیت زندگیشان است. برخی از این افراد تنها آرزویشان بازگشت به خانواده است. کاهش اعتماد به نفس و بروز انواع بیماری‌های جسمی و روحی محصول این شیوه از زندگی در سالمندان است.

روش پژوهش

در همه پژوهش‌های اجتماعی بنا به موضوع و نوع آن، روش مطالعه خاصی برگزیده می‌شود و به عبارت دیگر، پژوهشگر برای وصول به نتایج مد نظر و با توجه به موضوع در دست مطالعه از شیوه‌های مختلف پژوهش استفاده می‌کند. در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن سؤال اصلی پژوهش، یعنی بررسی جایگاه اجتماعی سالمندان تهرانی با تأکید بر نقش تلویزیون در این جایگاه، برای پاسخگویی به این سؤال از بهترین روش‌های مربوط استفاده شد.

حجم نمونه و روش گردآوری اطلاعات

بر اساس عرف مطالعات کیفی و با تکنیک مصاحبه عمیق، با سی نفر از سالمندان زن و مرد در تهران مصاحبه عمیق صورت گرفت. لازم به ذکر است محقق بنا به ضرورت، سؤالات تازه‌ای را برای دریافت عمیق نظرات مشارکت‌کنندگان پرسید و گفت‌وگوها حین مصاحبه ضبط و برای تحلیل پیاده‌سازی شد.

روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها

متن مصاحبه‌ها پیاده شد و با مطالعه مکرر، مضمون‌ها و مقوله‌های ظهوریافته در مطالعه استخراج شد. درباره مضمون‌ها با مشارکت‌کنندگان هماهنگی به عمل آمد تا آنها درستی مضمون‌ها را تأیید کنند. آنچه از مشاهدات به دست آمد نیز در کنار این موارد تجزیه و تحلیل شد.

از روش مثلث‌سازی برای سنجش اعتبار و پایایی تحقیق استفاده شد. اطلاعات دریافت‌شده از سالمندان پس از پیاده‌سازی با آنان در میان گذاشته شد تا آنها نظرشان را درباره صحت برداشت‌های پژوهشگر بیان کنند.

در فرایند بررسی اعتبار و روایی یافته‌های تحقیق به روش مثلث‌سازی در دو مرحله رفت و برگشت حیطه‌های مستخرج اصلی، شامل جایگاه سالمندان، نقش رسانه در جایگاه سالمندان، علل کاهش منزلت سالمندان، انتظارات سالمندان و علل سپردن سالمندان به مراکز نگهداری، از سی سالمند مشارکت‌کننده، بیست‌وهشت نفر توافق

داشتند و اعتبار مقوله‌ها را تأیید کردند.

یافته‌های تحقیق

در فصل چهارم، داده‌ها تجزیه و تحلیل شده است. با مطالعه و بررسی مکرر متون پیاده‌شده سی مصاحبه عمیق با سالمندان که حدود پنجاه ساعت به طول انجامید، جملات و پاراگراف‌ها به صورت مفهومی تجزیه و تحلیل شد. در روند مطالعه، تعدادی جمله از بین جملات فوق به عنوان جملات شاخص انتخاب شدند که در ادامه آورده شده است.

بررسی پی‌درپی سخنان مشارکت‌کنندگان و مفاهیم استخراج شده از آنها، محقق را به سوی مضامینی رهنمون کرد که بیانگر نوعی ارتباط سیستمی بود. بررسی داده‌ها به استخراج زیرمضمون‌ها و سپس مضمون‌های اصلی منجر شد. در این پژوهش، پنج حیطه جایگاه سالمند، نقش رسانه، رسانه و خانواده، نگهداری سالمند، کاهش منزلت سالمند و انتظارات سالمند بررسی شدند. برخی از زیرمضمون‌ها را بیشتر سالمندان عواملی مهم در جایگاه اجتماعی سالمندان دانستند و برخی دیگر را یک یا دو نفر بیان کرده‌اند. سعی ما بر این بود که حتی نکاتی که کمتر از همه به آنها اشاره شده بود، ولی در جایگاه اجتماعی سالمندان مهم و تأثیرگذار بود نیز بررسی شود. به علاوه جهت رعایت در امانت، گفته‌های مشارکت‌کنندگان به صورت محاوره‌ای آورده شده است و از آنجا که بر محرمانه بودن اسامی مشارکت‌کنندگان تأکید شده، جهت نشان دادن ترتیب، از اعداد استفاده شده است. در جداول زیر مشخصات مشارکت‌کنندگان و مدت انجام مصاحبه و مضمون‌ها و مقوله‌های به‌دست‌آمده آورده شده است.

جدول ۱- مشخصات مشارکت‌کنندگان (سالمندان)

ردیف	جنس	نحوه زندگی	محل مصاحبه	سن	مدت زمان مصاحبه (دقیقه)
۱	زن	مستقل	منطقه ۱۲ ظهیر السلام	۷۵	۵۵
۲	زن	با فرزندان	منطقه ۱۱ پارک شهر	۶۶	۴۰
۳	زن	مستقل	منطقه ۵ نیایش	۶۵	۳۵
۴	زن	مستقل	منطقه ۶ خیابان آزادی	۷۴	۶۵

شماره	جنس	نحوه زندگی	محل مصاحبه	سن	مدت زمان مصاحبه (دقیقه)
۵	زن	با فرزندان	منطقه زمزم ۱۷	۷۰	۴۵
۶	زن	مستقل	منطقه ۳ بلوار شهرزاد	۷۸	۵۰
۷	زن	با فرزندان	پاکدشت	۶۰	۷۰
۸	زن	مستقل	منطقه ۱ قیطریه	۶۹	۳۸
۹	زن	با فرزندان	منطقه ۲۲ المپیک	۶۹	۴۶
۱۰	زن	مستقل	منطقه ۱۰ جیحون	۶۵	۵۰
۱۱	زن	با فرزندان	۱۵ خرداد بازار	۶۵	۴۵
۱۲	زن	با فرزندان	منطقه ۱۵ افسریه	۷۲	۵۵
۱۳	زن	مستقل	منطقه ۱۹ خانی آباد	۶۳	۹۵
۱۴	مرد	مستقل	منطقه شهریار	۶۰	۱۱۰
۱۵	مرد	مستقل	منطقه ۶ رودکی	۶۶	۵۵
۱۶	مرد	مستقل	منطقه ۱۷	۶۷	۶۰
۱۷	مرد	مستقل	منطقه ۱۱ پارک شهر	۶۸	۴۵
۱۸	مرد	مستقل	سیدخندان	۶۶	۴۴
۱۹	مرد	مستقل	منطقه ۳ قلعهک	۷۰	۴۵
۲۰	مرد	مستقل	ورامین	۶۲	۳۰
۲۱	مرد	مستقل	منطقه ۱ پاسداران	۶۹	۴۰
۲۲	مرد	مستقل	نازی آباد	۶۷	۳۵
۲۳	مرد	با فرزندان	مسعودیه	۹۴	۶۰
۲۴	مرد	مستقل	خیابان ایران	۶۷	۳۵
۲۵	مرد	مستقل	شهری	۶۵	۷۰
۲۶	مرد	مستقل	ترمینال جنوب	۷۷	۴۳
۲۷	مرد	با فرزندان	مالک اشتر	۶۶	۲۵
۲۸	مرد	مستقل	شهرک غرب	۶۳	۳۵
۲۹	مرد	مستقل	منطقه ۵ صادقیه	۷۷	۵۰
۳۰	مرد	مستقل	بلوار مدرس	۶۴	۴۰

حیطه‌ها، مضمون‌ها و مقوله‌های حاصل از پژوهش

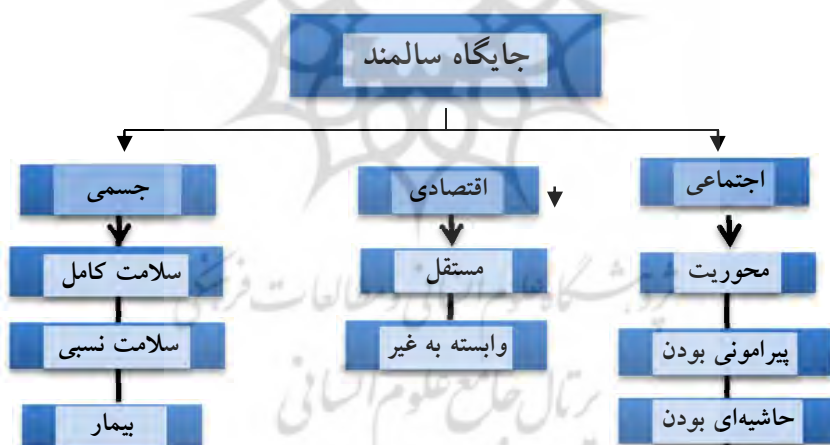
در این بخش مهم‌ترین حیطه‌ها، مضامین و مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها به همراه نمونه‌هایی از جملات مشارکت‌کنندگان می‌آید.

جایگاه سالمند

یکی از حیطه‌های مستخرج از گفت‌وگوها، «جایگاه سالمند» در خانواده بود که خود را در سه مضمون «جایگاه اجتماعی»، «جایگاه اقتصادی» و «سلامت و جایگاه جسمی و روحی سالمند» نشان داد.

جدول ۲ - جایگاه سالمند در خانواده

حیطه	مضمون	مقوله
جایگاه سالمند	اجتماعی	۱. محوری (محبوبیت بالا)
		۲. پیرامونی (بی‌اعتنا به سالمند)
		۳. حاشیه‌ای (سربار بودن و اهانت به سالمند)
	اقتصادی	۱. مستقل (زندگی با همسر یا تنها)
		۲. وابسته به غیر (زندگی با فرزندان و نوه‌ها)
	وضعیت جسمی	۱. سلامت کامل (روحی و جسمی)
۲. سلامت نسبی (روحی و جسمی)		
۳. بیمار (روحی و جسمی)		



نمودار ۱- جایگاه سالمندی

جایگاه اجتماعی

یکی از مضامینی که در این حیطة بروز کرد، «جایگاه اجتماعی» بود که خود را در سه مقوله «جایگاه محوری» سالمند یا محبوبیت او نزد خانواده، «جایگاه پیرامونی» به عنوان فردی کاملاً معمولی و نیز «جایگاه حاشیه‌ای» که نشان‌دهنده بی‌توجهی کامل به سالمند در خانواده بود، نشان داد. در این بخش با توجه به اینکه سالمندان در خانواده به سر می‌بردند جایگاه «طردشده» ملاحظه نشد.

جایگاه محوری

تعدادی از سالمندان در گفت‌وگوی خود بر این باورند که هنوز از احترام و جایگاه بسیار زیادی در خانواده برخوردارند و محبوب خانواده‌هایشان هستند. نمونه‌هایی از جملات آنها در ادامه می‌آید.

مشارکت‌کننده: بله با اینکه ازدواج کردن، هنوزم مثل قبل تو کارهای مهم زندگیشون و تو تصمیم‌گیری‌هاشون با من مشورت می‌کنن.

مشارکت‌کننده: بچه‌های من هر روز به من سر می‌زنن و خیلی محبت می‌کنن و بدون من هیچ تصمیمی نمی‌گیرن.

مشارکت‌کننده: بچه‌هام خدا رو شکر به‌طوری بار اومدن که صلهٔ رحم رو خوب بجا میان؛ حداقل هفته‌ای دو بار کنارم هستن و هر جا هم هستن سعی می‌کنن بیان و جمعه‌ها کنار هم باشیم.

مشارکت‌کننده: من تا الان همیشه و همه وقت، مورد احترام همسرم و دو فرزندم بودم و خدا را شکر هیچ توهین و برخوردی از طرف خانواده ندیدم.

جایگاه پیرامونی:

برخی از سالمندان رفتار اعضای خانواده با خودشان را بی‌اعتنا ارزیابی کرده و معتقدند که گرچه در خانواده زندگی می‌کنند، محل مشورت یا توجه خاص اطرافیان نیستند.

مشارکت‌کننده: ... تو بقیهٔ مسائل شون هم مشورت نمی‌کنن، کجا خونه بگیریم،

بچه‌مون رو کدوم مدرسه بذاریم، در کل مشورت نمی‌کنن.
مشارکت‌کننده: اصلاً با من مشورت نمی‌کنن، جوون‌های الان اصلاً پیرزن‌ها رو قبول ندارن.

جایگاه حاشیه‌ای

در بین مشارکت‌کنندگان متأسفانه افرادی بودند که از کم‌توجهی و گاه برخورد توهین‌آمیز اعضای خانواده گله‌مند و از وضعیت و منزلت اجتماعی خود بسیار ناراضی بودند.
مشارکت‌کننده: بچه‌های ناهل من، از زمانی که پدرشون فوت کرد، همه بلایی سرم آوردن. بیشتر از همه انتظارات و ادعاشون زیاد شد و با حقوق کمی که شوهرم برام گذاشته بود، نمی‌تونستم انتظارات اون‌ها رو برآورده کنم.
مشارکت‌کننده: کمکی نمی‌کنن؛ تازه انتظار دارن به خوبی ازشون پذیرایی بشه و وقتی که میان بد غذا نخورن و بهشون بی‌احترامی نشه، بد جلوشون نذاریم.

جایگاه اقتصادی:

یکی دیگر از مضامینی که در این حیطه بروز کرد، «جایگاه اقتصادی» بود که خود را در دو مقوله «استقلال مالی» یا خودکفایی سالمند در خانواده و «متکی بودن سالمند به دیگران» به عنوان فردی که از نظر مالی کاملاً وابسته است، نشان داد.

استقلال مالی: تعدادی از سالمندان ابراز کردند که خودشان هزینه‌های زندگی را بر عهده دارن و از خانواده در این زمینه کمکی نمی‌گیرند و وابستگی آنها بیشتر عاطفی است، نه اقتصادی. از نظر این افراد شاید یکی از دلایلی که فرزندانشان به آنها احترام می‌گذارند، همین استقلال مالی باشد.

مشارکت‌کننده: من هیچ کمکی از بچه‌ها نمی‌گیرم و من به اون‌ها کمک می‌کنم.

مشارکت‌کننده: خدا رو شکر شوهرم برام حقوقی گذاشته که به دیگران محتاج نیستم.

اتکای مالی به فرزندان: برخی از سالمندان گفته‌اند به دلیل اینکه در گذشته شغل خوبی نداشته‌اند و حقوق بازنشستگی دریافت نمی‌کنند، به فرزندانشان متکی هستند. عمده این افراد زنان سالمند هستند و به همین جهت ناچارند برخی بی‌مهری‌های

فرزندان را به دلیل نداشتن استطاعت مالی تحمل کنند.

مشارکت‌کننده: متأسفانه من کشاورز بودم و بازنشستگی ندارم و برادرم و بچه‌هام کمک می‌کنند و برام خیلی سخته.

مشارکت‌کننده: بچه‌ها با غرولند به من پول می‌دن و خیلی تحقیر می‌شم. خدا بیامرزش تا شوهرم زنده بود، اوضاع خوب بود.

وضعیت جسمی سالمند

از دیگر مضامین مطرح‌شده در گفت‌وگوها میزان «برخورداری از سلامت» روحی و جسمی سالمند بود که در سه سطح «سلامت کامل»، «سلامت نسبی» و «بیماری» بحث شده است.

- **سلامت کامل:** البته تعداد سالمندانی که از سلامت کامل جسمی و روحی برخوردار بودند، بسیار اندک بود، ولی به گفته همین افراد، سلامتی آنها و مزاحمت نداشتن برای فرزندان از دلایل مهم برخورداری آنها از جایگاه بهتر نزد فرزندان‌شان است.

مشارکت‌کننده: خدا رو شکر تا الان مریضی خاصی نداشتم که ببینم بچه‌ها چطور رفتار می‌کنن. احترام رو نگه می‌دارن.

مشارکت‌کننده: من هیچ مزاحمتی برای بچه‌هام ندارم و ورزش می‌کنم و فکر می‌کنم اگه خدای نکرده مریضم بشم، به من توهین نکنن.

- **سلامت نسبی:** تعدادی از مشارکت‌کنندگان که تا حدی از سلامت برخوردارند و در مواردی هم به مراقبت بیشتر نیاز دارند، بیان کرده‌اند که گاهی مواقع در زمان بیماری با بی‌مهری برخی از اعضای خانواده مواجه می‌شوند. افرادی که از سلامتی کمتر برخوردارند و بیمار تلقی می‌شوند نیز در این تحقیق برخورد فرزندان‌شان را در مواقعی مناسب و حاکی از احترام دانسته‌اند.

مشارکت‌کننده: زمان بیماری، بچه‌هام و نوه‌هام خیلی کمک می‌کنن. از همه لحاظ چه پولی و مادی و معنوی همه‌جوره کمک می‌کنن.

مشارکت‌کننده: حتی وقتی مریض شدم همه به جز دو دخترم که خیلی زحمت

منو کشیدن، بقیه بعد از مدت کوتاهی پرستاری از من، سراغی از من نمی‌گیرن و اصلاً نمی‌گن که من مُرده‌ام یا زنده‌ام و کجا زندگی می‌کنم.

- **بیماری:** برخی مشارکت‌کنندگان گفته‌اند که با آنها در زمان بیماری بسیار بد برخورد می‌شود. این افراد بیشتر زنان هستند. البته در یکی دو نمونه، سالمندان بیمار از نحوه برخورد اطرافیان ابراز رضایت کرده‌اند.

مشارکت‌کننده: اکثراً خانواده‌ام به علت بیماری و درمان من، همه نوع غذایی کشیدن، ولی با این همه خانواده‌ام منو یاری کردن و همیشه کمک‌حالم بودن. مخصوصاً همسر همیشه همدم و همراهم بوده و تا الان یک بار دهن به شکایت و گله باز نکردن و خیلی صبورن.

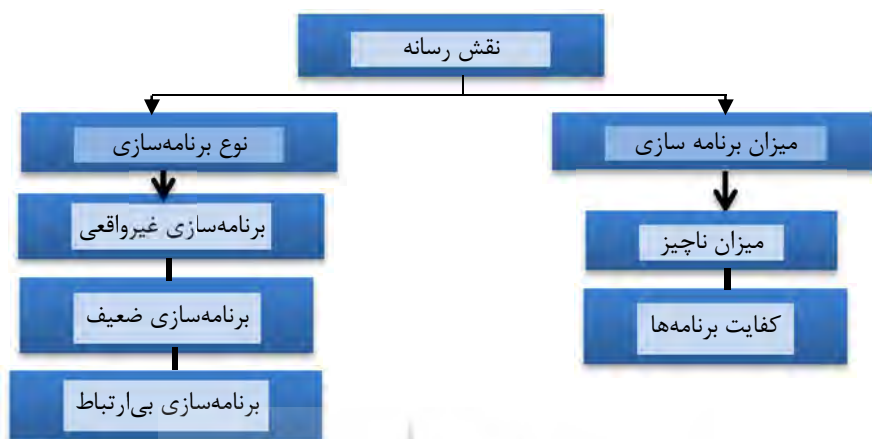
مشارکت‌کننده: با من تو بیماری خیلی بد تا می‌کنن. خدا منو ببخشه بعضی مواقع فکر می‌کنم با وجود این بچه‌های بی‌رحم و ظالم اگه بچه‌دار نمی‌شدم، خیلی بهتر بود.

نقش رسانه

یکی از حیطه‌های مستخرج از گفت‌وگوها، «نقش رسانه» در کاهش یا افزایش منزلت و جایگاه سالمند در خانواده بود که خود را در دو مقوله «میزان برنامه‌سازی» درباره سالمند و «نوع برنامه‌سازی» چه با موضوع سالمند و چه در سایر موضوعات نشان داد.

جدول ۳ - نقش رسانه

مقوله	مضمون	حیطه
۱. میزان ناچیز برنامه ۲. کفایت برنامه	میزان برنامه‌سازی	نقش رسانه
۱. برنامه‌سازی تخیلی و غیرواقعی ۲. برنامه‌سازی ضعیف ۳. برنامه‌سازی بی‌ارتباط به سالمندی ۴. برنامه‌سازی مناسب	نوع برنامه‌سازی	



نمودار ۲ - نقش رسانه

میزان برنامه‌سازی

یکی از مضامینی که در حیطه نقش رسانه بروز کرد، میزان برنامه‌سازی رسانه درباره سالمندان بود که در دو مقوله «برنامه‌سازی ناچیز» و «برنامه‌سازی کافی» طرح شد. در مضمون برنامه‌سازی ناچیز، برخی مشارکت‌کنندگان معتقد بودند برنامه‌ای که به‌طور خاص به سالمندان و شرایط آنها پرداخته باشد، ساخته نمی‌شود و در برنامه‌سازی به سالمندان بسیار کم توجه می‌شود. از مضامین دیگر «برنامه‌سازی کافی» بود که عده‌ای معتقد بودند از نظر کمیت در خیلی از سریال‌ها سالمندان به تصویر کشیده می‌شوند، اما کیفیت آنها خوب نیست.

مشارکت‌کننده: من برنامه خاصی تو تلویزیون ندیدم که مخصوص این قشر باشه. زیاد برنامه نمی‌سازن.

مشارکت‌کننده: از نظر مقدار فکر کنم برنامه‌های سالمندان خوب باشه، مخصوصاً برنامه‌های سلامتی... کیفیتش مهمه.

نوع برنامه‌سازی

در کنار توجه به میزان برنامه‌سازی، سالمندان به‌طور دقیق به نوع برنامه‌سازی توجه داشتند. از مطالعه مکرر گفته‌های آنها در این حیطة، سه مضمون با تأکید بیشتر شامل «برنامه‌سازی غیرواقعی»، «برنامه‌سازی ضعیف» و «برنامه‌سازی بی‌ارتباط» کشف شد. در مجموع بیشتر مشارکت‌کنندگان بر این نظر بودند که برنامه‌های تلویزیون به زندگی واقعی سالمندان هیچ شباهتی ندارد یا اینکه در محتوایی ضعیف، سالمندان بیش از حد بداخلاق و غیرمنطقی نمایش داده می‌شوند یا اصلاً بیشتر برنامه‌ها به سالمندان نمی‌پردازد و بی‌ارتباط است.

مشارکت‌کننده: تو سریال‌هاشون هم که بیشتر بی‌احترامی می‌کنن. اصلاً نشون می‌ده مشورت نمی‌کنن. عروس‌ها به مادرشوهر محل نمی‌ذارن، دخترا خیلی محل نمی‌ذارن، همه‌شون می‌گن ما خودمون گرفتاریم، کار داریم و از این حرف‌ها.

مشارکت‌کننده: برای اینکه بچه‌ها این شبکه‌های خارجی می‌بینن، رودار شدن همه‌شون.

مشارکت‌کننده: تو برنامه‌هاشون یه مطالبی نشون می‌دن که اصلاً تو شرایط زندگی واقعی نیست و به خیال بیشتر شبیه هست.

همچنین برخی از مشارکت‌کنندگان بر این نکته تأکید دارند که باید کسانی برای سالمندان برنامه بسازند که خودشان هم میانسال یا سالمند باشند. چراکه جوانان و افرادی که خود شرایط سالمندی را درک نکرده‌اند نمی‌تواند درباره این موضوع برنامه بسازند. از طرفی برخی می‌گویند برنامه‌ساز باید توانایی برنامه‌سازی و نگاه هنری داشته باشد و میانسال بودن نمی‌تواند مهم‌ترین شرط باشد، بلکه جوانان خوش‌ذوق و باتجربه که نگاه دقیقی به این گروه سنی دارند، می‌توانند برنامه‌های قوی و جذابی در این زمینه بسازند. همچنین گروهی این‌طور عنوان می‌کنند که برنامه‌ساز باید درباره سالمندان مطالعه کند.

خانواده و رسانه

از دیگر حیطه‌های درخور اعتنا در پژوهش، رابطه «خانواده و رسانه» از جهت مصرف رسانه‌ای بود که دو مقوله «رسانه داخلی» و «رسانه خارجی» را در دو سطح پرمصرف و کم‌مصرف نشان داد.

جدول ۴ - خانواده و رسانه

حیطه	مضمون	مقوله
خانواده و رسانه	مصرف رسانه داخلی	پرمصرف (سریال‌ها) کم‌مصرف
	مصرف رسانه خارجی	پرمصرف (فیلم و سریال) کم‌مصرف



نمودار ۳ - خانواده و رسانه

مصرف رسانه داخلی

یکی از مضامینی که در این حیطه بروز کرد، مفهوم «پرمصرف» بود. برخی از سالمندان معتقد بودند افراد خانواده‌شان مدام پای تلویزیون و سریال‌هایی که از نظر آنها محتوای دقیقی ندارد، می‌نشینند و به اطراف خود بی‌توجه هستند. مضمون دیگر «کم‌مصرف» بود. تعدادی از سالمندان اشاره کردند که خانواده‌های آنها گه‌گاه از برنامه‌های تلویزیون استفاده می‌کنند. از نظر سالمندان دیدن بیش از حد تلویزیون باعث می‌شود

خانواده‌هایشان از توجه به آنها غافل شوند و تلویزیون دیدن را بر گفت‌وگو و درد دل کردن با آنها ترجیح دهند. بنابراین می‌توان گفت میزان مصرف رسانه می‌تواند در کاهش یا افزایش منزلت و جایگاه سالمند در خانواده نقش داشته باشد.

مشارکت‌کننده: همه‌اش سرشون تو گوشیه یا تلویزیون نگاه می‌کنند، اصلاً با ما حرف نمی‌زنن.

مشارکت‌کننده: بچه‌های من سرگرم کارهای خودشونن، زیاد تلویزیون یا ماهواره نمی‌بینن. گاهی اوقات سریال‌ها رو می‌بینن.

مصرف رسانه خارجی

از مضامینی که در حیطه میزان استفاده از رسانه‌های خارجی (ماهواره) بروز کرد، مفهوم «پرمصرف» بود. برخی از سالمندان معتقد بودند که افراد خانواده آنها، مدام پای سریال‌های بی‌محتوای خارجی (بیشتر تُرک) وقت خود را صرف می‌کنند و در زندگی از آنها الگو می‌گیرند. به همین دلیل به اطراف خود بی‌توجه هستند. مضمون دیگر «کم‌مصرف» بود. تعدادی معتقد بودند خانواده آنها یا اصلاً ماهواره نمی‌بینند یا بسیار کم می‌بینند.

مشارکت‌کننده: بیشتر دخترها و عروس‌ها این سریال‌های ترکی رو نگاه می‌کنن که هیچ ارزشی هم نداره. براشون خیلی مهمه سر ساعت دنبال کنن.

مشارکت‌کننده: از برنامه‌های ماهواره بیشتر دنبال خبر هستن و خیلی نگاه نمی‌کنن. می‌گن برنامه‌هاشون مناسب دین ما نیست.

نگهداری از سالمند

دو مضمونی که در حیطه «نگهداری از سالمند» بروز کرد، «نگهداری توسط اعضای خانواده» و «سپردن سالمند به سرا» بود. آنان معتقد بودند سالمندی که به دلایل مختلف نتواند به تنهایی زندگی کند، دلایلی سبب می‌شود که در یکی از این دو حالت از او نگهداری شود.

جدول ۵- نگهداری از سالمند

مقوله	مضمون	حیطه
۱. محبت و مهر فرزندی ۲. خداترسی ۳. آبروداری	اعضای خانواده	نگهداری از سالمند
۱. ناسپاسی و بی‌مهری ۲. استفاده از اموال سالمند ۳. مشغله کاری ۴. بیماری سالمند ۵. رسانه	سرای سالمندان	



نمودار ۴- نگهداری از سالمند

نگهداری از سالمند توسط خانواده

یکی از مضامینی که در حیطه «نگهداری از سالمند» بروز کرد، مفهوم «اعضای خانواده» بود. برخی از سالمندان معتقد بودند عمده‌ترین دلایلی که باعث می‌شود فرزندان در زمان پیری از والدین خود نگهداری کنند یا «مهر فرزندی» است یا دلایلی همچون «ترس از خدا» و «حفظ آبرو» در بین خویشاوندان و دوستان که البته هر کدام از این دلایل به خودی خود ارزشمند است و به جوان اجازه طرد والدینش را نمی‌دهد.

مشارکت‌کننده: بچه‌هایی که از خدا بترسن، خودشون پدر مادر رو پرستاری می‌کنن و به جایی نمی‌سپرن.

مشارکت‌کننده: به نظر من بعضی از بچه‌ها از ترس اینکه جلو فامیل بی‌اعتبار نشن، بازم از خانواده نگهداری می‌کنن.

مشارکت‌کننده: همه اینا سرچشمه‌اش از ایمان آدم‌هاست. کسی که خدا رو می‌پرسته و ایمانش قویه، می‌دونه هرکسی که سالمند بشه، همین روزگار رو داره و قیامتی هست حتماً مادرش رو اگر بستری هم بشه، مریض هم بشه نمی‌بره خونه سالمندان.

مشارکت‌کننده: بچه‌هایی که از محبت پدر و مادر و فرزند در وجودشون هست، این کار رو نمی‌کنن و خودشون با احترام والدین رو نگهداری می‌کنن.

مشارکت‌کننده: بچه‌هایی که پدر و مادر خودشون رو می‌برن خونه سالمندان، این دلیلش فقط خودخواهی و دوست دارن، نمی‌خوان وقت بذارن. این هم همه‌اش برای خودخواهی. بیشترش خودخواهی و بی‌ایمانی شونه.

نگهداری از سالمند توسط سراها

مضمون دوم «سرای سالمندان» بود. تعدادی از مشارکت‌کنندگان معتقد هستند فرزندان «ناسپاس و بی‌عاطفه» اغلب والدین خود را به این مراکز می‌سپارند. البته عده‌ای هم معتقدند این روزها جوان‌ها خیلی «پرمشغله» هستند و تقصیری ندارند. همچنین دلایل دیگری از جمله «میل به استفاده از اموال سالمند» در زمان حیات او، «ناتوانی اقتصادی فرزندان» و «بیماری سالمند» نیز ذکر شده‌اند. نکته درخور توجه اینکه برخی از

سالمندان گناه را به گردن «رسانه» انداخته‌اند و گفته‌اند تلویزیون سبب ترویج این امر شده است.

مشارکت‌کننده: همه اینها سرچشمه‌اش از ایمان آدم‌هاست. کسی که خدا رو می‌پرسته و ایمانش قویه، می‌دونه هرکسی که سالمند بشه، همین روزگار رو داره و قیامتی هست حتماً مادرش رو اگر بستری هم بشه، مریض هم بشه، نمی‌بره خونه سالمندان.

مشارکت‌کننده: بچه‌هایی که پدر و مادر خودشون رو می‌برن خانه سالمندان این دلیلش فقط خودخواهی و دوست دارن نمی‌خوان وقت بذارن. این هم، همه‌اش برای خودخواهی. بیشترش خودخواهی و بی‌ایمانی‌شونه.

مشارکت‌کننده: علتش می‌تونه درآمد کم فرزندان باشه که نمی‌تونن مخارج فرد سالمند مخصوصاً سالمند مریض رو تأمین کنن. بنابراین سالمند رو یا به مراکز نگهداری سالمندان می‌برن یا به سختی در خانواده از فرد سالمند نگهداری می‌کنن.

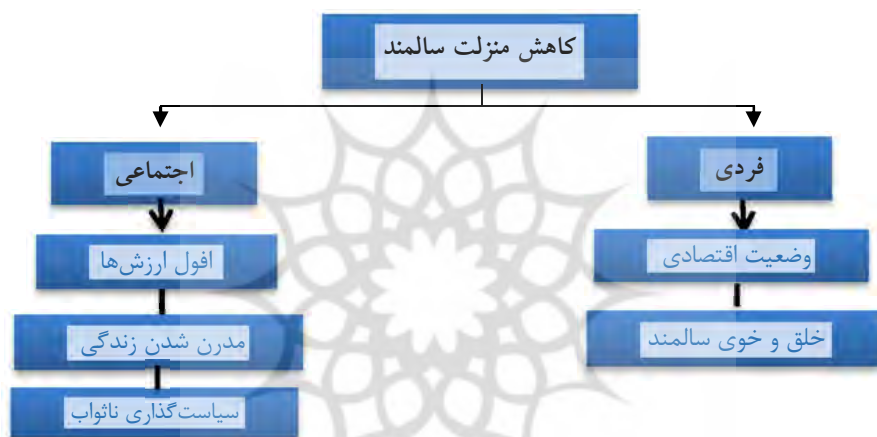
مشارکت‌کننده: کلید این مشکل وضعیت اقتصادی. جوان وقتی ازدواج می‌کنه، اولاً که اینقدر اعصابش بهم ریخته است چون نمی‌تونه زندگی رو بچرخونه حتی خودش با همسرش سخت مشکل داره. حالا چه برسه بیاد باباشم نگه داره یا خانواده‌اش هم کنار خودش قرار بده. برای همین پدر و مادر یه ذره مجبور می‌شن نه در پیری، قبل از اینکه از دست و پا بیفتن اینها رو می‌فرستن یا می‌برن سرای سالمندان.

کاهش منزلت سالمند

از دیگر حیطه‌های مهم در این پژوهش، «کاهش منزلت» سالمندان در زندگی امروزی نسبت به گذشته است. مهم‌ترین مضامینی که در کاهش منزلت سالمندی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، خود را نشان دادند، عبارت بودند از: «عوامل فردی (سالمند)» و «عوامل اجتماعی». در بین عوامل فردی، دو مضمون «وضعیت اقتصادی سالمند» و «خلق و خوی سالمند» نمودار شد و در بین عوامل اجتماعی «مدرن شدن زندگی»، «ضعیف شدن پابندی به ارزش‌ها» و «ضعف برنامه‌ریزی برای سالمندان» از طرف دولت، مضمون‌های درخور توجه بودند.

جدول ۴ - کاهش منزلت سالمند

حیطه	مضمون	مقوله
کاهش منزلت سالمند	عوامل فردی	۱. وضعیت اقتصادی ۲. خلق و خوی سالمند
	عوامل اجتماعی	۱. کم‌رنگ شدن ارزش‌ها ۲. مدرن شدن زندگی ۳. سیاست‌گذاری غلط



نمودار ۵: دلایل کاهش منزلت سالمند

عوامل فردی

دو مضمونی که در این حیطه بروز کرد، مفاهیم «وضعیت مالی سالمند» و «خلق و خوی سالمند» بود. به این صورت که بیشتر سالمندان معتقد بودند اگر وضع مالی سالمند خیلی خوب باشد، فرزندانش به همین دلیل هم که شده و حتی در ظاهر، احترام را حفظ می‌کنند. همچنین فرزندان، سالمندانی را که «خلق و خوی» پسندیده دارند و خوش‌اخلاق‌اند، بیشتر تکریم می‌کنند. فرزندان، توان و حوصله مواجهه با سالمندان بدخو را ندارند.

مشارکت‌کننده: دختر بزرگم وضع مالی تقریباً خوبی داره. درخواست ارث و

میراث از اون خونه قدیمی کردن، در حالی که مادرشون که من باشم، زنده بودم. به خاطر حرف‌های اونا خونه قدیمی رو فروختم و سهم همه رو دادم.

مشارکت‌کننده: ما یک همسایه داریم، از وقتی بیچاره مریض شده، خیلی عصبی و بداخلاق شده، اصلاً بچه‌هاشم نمی‌تونن باهاش مدارا کنند.

عوامل اجتماعی

مضامینی که در این حیطه بروز کردند، مفاهیم «افول ارزش‌ها» و «مدرن شدن زندگی» و «سیاست‌گذاری نامناسب دولت» در زمینه سالمندان بودند. تعدادی از سالمندان بر این باور بودند که اگر ارزش‌ها و تعالیم دینی در زمینه تکریم والدین و بزرگترها جدی گرفته می‌شد، الان وضعیت این گونه نبود. همچنین عده‌ای شهری و مدرن شدن زندگی و نیز تجملاتی شدن آن را علت نادیده گرفتن سالمندان عنوان کرده‌اند. از نظر سالمندان دیگر، جوانان به دنبال زیبایی‌های ظاهری زندگی می‌روند و از پیران غافل شده‌اند. در حیطه عوامل اجتماعی کاهش منزلت سالمندی و نوع و چگونگی نگاه سیاست‌گذاران نیز از دیگر مضامین شایان توجه بود. سالمندان معتقد بودند که اگر قوانین در جهت تکریم سالمندی به اندازه کافی وجود داشت و از کارایی برخوردار بود، سالمندان عزت اجتماعی بیشتری داشتند.

مشارکت‌کننده: با این عصر کامپیوتر و رسانه‌های آنچنانی و خانواده کوچک، پدر و مادرها از بچه‌ها دور شدن یا بچه‌ها ترکشون کردن. چطوری بگم همه چیز ماشینی شده... عاطفه‌ها تقریباً کمرنگن.

مشارکت‌کننده: فرهنگمون رو فراموش کردن، شاید بگم تکلیف دینی رو فراموش کردن. اگه بخوایم بریم به بُعد معنوی که این خیلی زیاده.

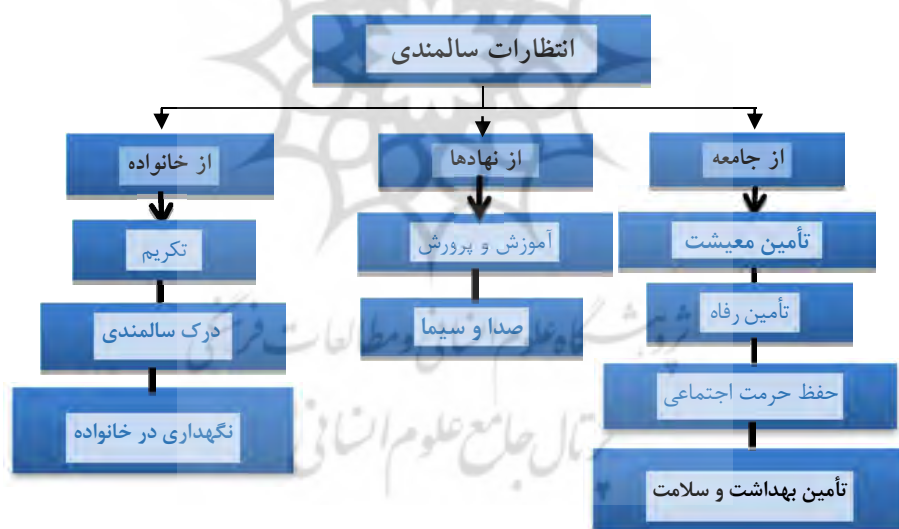
انتظارات سالمندی

از دیگر حیطه‌های قابل بحث در این پژوهش، انتظاراتی بود که سالمندان در سه سطح «انتظارات از جامعه»، «انتظارات از نهادهای آموزشی و فرهنگی» و «انتظارات از خانواده» در گفت‌وگوهای خود طرح کرده‌اند. هرکدام از این مضامین خود در

مقوله‌هایی بروز یافته که در ادامه آمده است.

جدول ۴ - انتظارات سالمندی

مقوله	مضمون	حیطه
۱. تأمین معیشت ۲. تأمین رفاه ۳. تأمین بهداشت ۴. حفظ حرمت اجتماعی	انتظارات از جامعه (دولتمردان)	انتظارات سالمند
۱. تکریم سالمند ۲. درک سالمند ۳. نگهداری در خانواده	انتظارات از خانواده	
۱. آموزش و پرورش ۲. صدا و سیما	انتظار از نهادهای فرهنگی و آموزشی	



نمودار ۶ - انتظارات سالمندی

انتظار از جامعه

یکی از مضامینی که در حیطه «انتظارات سالمندی» بروز کرد، مفهوم «انتظار از جامعه»

بود. برخی از سالمندان معتقد بودند که جامعه به طور کلی و دولتمردان به طور خاص باید در زمینه‌های «تأمین معیشت»، «تأمین رفاه»، «تأمین نیازهای بهداشتی و سلامت» و نیز «حفظ حرمت اجتماعی» سالمندان هم در قانون‌گذاری و هم در اجرای قانون بیشتر تلاش کنند. زیرا در حوزه سالمندان کم‌کاری‌های سیاست‌گذاران و مجریان این سیاست‌ها به چشم می‌آید.

مشارکت‌کننده: دولت باید برای سالمندان حقوق بذاره. الان توی خارج سالمندا پرستار براشون می‌فرستن، آرایشگر می‌فرستن، حقوقم که دارن همه این کارها رو دولتشون انجام می‌ده.

مشارکت‌کننده: من الان دفترچه بیمه ندارم و هر وقت می‌رم دکتر جلو بچه‌هام که هزینه زیادی می‌دن شرمنده می‌شم. دولت باید سالمندا رو رایگان بستری کنه و خدمات پزشکی به اونا بده.

انتظار از خانواده

یکی دیگر از مضامینی که در حیطه «انتظارات سالمندی» بروز کرد، مفهوم «انتظار از خانواده» بود. قریب به اتفاق سالمندان معتقد بودند که خانواده‌ها و جوانان باید علاوه بر «تکریم بیشتر سالمندی» بتوانند نیازها و روحیات سالمندان را «درک» کنند و چند سالی را که آنها در قید حیات هستند، محترم بشمارند، از آنها در خانه «نگهداری» کنند و آنها را از خود طرد نکنند.

مشارکت‌کننده: افراد مُسن فقط انتظار دارن این چند سالی که زنده هستن حرمتشون حفظ بشه. بچه‌ها بی‌احترامی نکنن.

مشارکت‌کننده: من دوست دارم فقط بچه‌هام منو درک کنن و بدونن که سالمندا به همدردی نیاز دارن.

انتظار از نهادهای فرهنگی و آموزشی

یکی دیگر از مضامینی که در حیطه «انتظارات سالمندی» بروز کرد، مفهوم «انتظار از نهادهای فرهنگی و آموزشی» بود که به طور خاص به «آموزش و پرورش» و «صدا و

سیما» اشاره شد. به این شکل که سالمندان از نهاد مهمی همچون آموزش و پرورش انتظار دارند که کودکان آنها را به امر والدین و سالمندان حساس کرده و تکریم سالمندان را در برنامه‌های آموزشی و تربیتی قرار دهد. همچنین صدا و سیما به عنوان جایی که توان آموزش و ارشاد همگانی دارد، باید بهتر برنامه‌سازی کند و مردم را درباره موضوع سالمند و جایگاهش در خانواده و جامعه آگاه نماید.

تقریباً همه سالمندان معتقد بودند که خانواده‌ها و جوانان باید علاوه بر «تکریم بیشتر سالمندی» بتوانند نیازها و روحیات سالمندان را «درک» کنند و چند سالی را که آنها در قید حیات هستند، محترم بشمارند، از آنها در خانه «نگهداری» کرده و آنها را از خود طرد نکنند.

مشارکت‌کننده: تلویزیون باید تو گوش مردم بکنه و بگه همون‌طور که توی اسلام هم گفته، پدر و مادر حق داره. تو رو بزرگ کردن و بر گردن تو حق دارن، الان که بزرگ شدی باید مواظبش باشی.

مشارکت‌کننده: مدرسه‌ها باید از اول بنای تربیت و احترام والدین رو بذارن تا بچه‌ها وقتی بزرگ شدن تو رگ و خونشون مهر به والدین باشه.

نتیجه‌گیری و بحث و بررسی

همان‌طور که در ابتدای مقاله بیان شد، هدف از انجام این پژوهش، بررسی نگرش سالمندان شهر تهران به جایگاه اجتماعی‌شان در خانواده و نقش رسانه در این جایگاه بوده است. گرچه داده‌های به‌دست‌آمده حاصل چندین ساعت گفت‌وگوی عمیق با سالمندان گرامی به روش کیفی بوده است، با توجه به وجود محدودیت در قالب مقاله، پژوهشگر بر آن شد اطلاعات به‌دست‌آمده را تا حد ممکن تلخیص کند. مهم‌ترین نتایج به‌دست‌آمده عبارت‌اند از اینکه حدود نیمی از سالمندان که اغلب زنان هستند، هیچ درآمد مستقلی ندارند و به خانواده وابسته‌اند. نکته مهم درباره سالمندان مرد نیز درآمد بسیار کم آنها بود. برخی از آنان بضاعت مالی اندک خود را عامل شرمساری در مقابل خانواده و نداشتن احترام کافی عنوان کردند. بیش از نیمی از سالمندان (اغلب مردان) در گذشته شاغل بوده و اغلب آنها از حرفه گذشته خود ابراز رضایت کرده‌اند. در حال

حاضر (زمان مصاحبه) نیز تعدادی از آنها که عموماً مردان بودند، به دلیل مشکلات مالی مشغول به کار هستند. حدود نیمی از سالمندان به طور مستقل و نیمی با فرزندان و نوه‌ها به سر می‌برند. دربارهٔ اینکه آیا فرزندان و نوه‌های سالمندان به آنها سر می‌زنند یا نه، به جز افرادی که با خانواده زندگی می‌کنند، بقیهٔ سالمندان از اینکه جایگاه اجتماعی آنها در خانواده به اندازهٔ کافی حفظ نمی‌شود، از جمله اینکه فرزندانشان زیاد به آنها سر نمی‌زنند، گله‌مند هستند. یکی از محورهای گفت‌وگو در مصاحبه‌های کیفی، محل مشورت بودن یا نبودن سالمند در خانواده و نحوهٔ انجام این امر بود که تعدادی گفته‌اند به صورت حضوری یا تلفنی فرزندانشان در امور مختلف با آنها مشورت می‌کنند و تعدادی از اینکه کسی با آنها مشورت نمی‌کند یا تنها در موارد اندکی از آنها نظرخواهی می‌شود، ابراز یأس کرده‌اند.

از دیگر یافته‌های به‌دست‌آمده این بود که بیش از نیمی از سالمندان از نوعی بیمای جسمی یا روحی رنج می‌برند و تعدادی از آنها از برخورد نامناسب فرزندانشان با بیماری آنها شکایت کرده‌اند. گرچه عده‌ای از سالمندان بیان کرده‌اند که اعضای خانواده‌شان تا کنون صریحاً به آنها توهین یا برخورد نکرده‌اند، برخی تکرار توهین از طرف خانواده را ناراحت‌کننده و دور از انصاف فرزندی دانسته‌اند و عامل اصلی این امر را نداشتن آگاهی و کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و فرهنگی در جامعه معرفی می‌کنند. عدهٔ کمی از سالمندان برای خودشان در خانواده جایگاه محوری قائل بوده و خود را محبوب فرزندان دانسته‌اند و بقیه گفته‌اند که از احترام نسبی برخوردارند. عدهٔ بیشتری معتقدند که از احترامی که استحقاق آن را دارند، برخوردار نبوده و در خانواده جایگاه حاشیه‌ای دارند.

دربارهٔ اینکه چه دلایلی سبب می‌شود فرزندان سالمندان، خودشان را به مراکز نگهداری سالمند بسپارند، مشارکت‌کنندگان با اتفاق نظر بیشتری بی‌مهری و ناسپاسی را عامل بی‌توجهی به سالمندان دانسته‌اند. مشکلات اقتصادی فرزندان، مشغلهٔ کاری و میل به استفاده از اموال آنها در زمان حیاتشان توسط فرزندان از دلایل دیگر سپردن والدین به مراکز نگهداری عنوان شده است. سالمندان معتقدند خانواده‌هایی که زیاد تلویزیون یا ماهواره می‌بینند، کمتر به سالمندانشان توجه می‌کنند و عامل اصلی این امر را

برنامه‌سازی بی‌فایده یا ضعف رسانه‌ها در زمینه سالمندی می‌دانند. درباره نحوه نمایش سالمندان در برنامه‌های تلویزیون، حدود نیمی از مشارکت‌کنندگان بر این باورند که سالمندان در برنامه‌های تلویزیون با احترام نمایش داده نمی‌شوند. همچنین این افراد معتقدند که برنامه‌سازی بسیار ضعیف بوده و بیشتر ساختگی و تخیلی است و اثر سریال‌ها را در تکریم سالمندان بیشتر منفی می‌دانند.

دیگر عواملی که به عنوان کاهش‌دهنده منزلت سالمندان در جامعه عنوان شدند، عبارت‌اند از بیکاری و مشکلات اقتصادی، تغییر فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، کم‌رنگ شدن مهر و عاطفه افراد به والدین و ناآگاهی مردم از جایگاه واقعی سالمندان در خانواده. سالمندان بررسی شده در این تحقیق به ترتیب حفظ حرمت سالمندان، آموزش و برنامه‌سازی رسانه درباره سالمندی، تأمین مسائل اقتصادی سالمند و ایجاد مراکز تفریحی و بهداشتی را از مهم‌ترین انتظارات خود از جامعه عنوان کرده‌اند.

در بررسی نظریات تحقیق مخصوصاً نظریه گربنر، این نکته که تلویزیون قادر به نقش‌آفرینی در پدیده‌های مختلف نظیر خشونت است، ملاحظه می‌شود. در نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های عمیق انجام‌شده با سالمندان نیز این نقش‌آفرینی درخور ملاحظه است. به طوری که سالمندان معتقدند برنامه‌های تلویزیون می‌تواند باعث کاهش یا افزایش منزلت سالمندان شود و در انتظارات آنها عملکرد درست و دقیق رسانه درباره سالمندان پررنگ است که این موضوع، حاکی از این نقش‌آفرینی است. این نکته می‌تواند برای سیاست‌گذاران فرهنگی و برنامه‌سازان رسانه درخور تأمل باشد و توجه بیشتر به پدیده سالمندی بر اساس موازین دین مبین اسلام و جایگاه اجتماعی آنها در جامعه را می‌طلبد. همان‌طور که پیش از این گفته شد، بر اساس اصول و موازین دین مبین اسلام، سالمندان جایگاه ویژه‌ای دارند و به طور مکرر نه تنها به حفظ حرمت ایشان، بلکه به تکریم بیش از پیش آنان سفارش شده است. بر اساس تعالیم اسلامی به هیچ روی نباید سالمندان جایگاهی کمتر از جایگاه محوری (برجسته‌ترین جایگاه در گونه‌شناسی این پژوهش) در خانواده داشته باشند، در حالی که بر اساس نتایج مقاله حاضر، برخی از سالمندان معتقدند در خانواده به اندازه استحقاق‌شان تکریم نمی‌شوند و یکی از عوامل اصلی این پدیده را کم‌رنگ شدن

ارزش‌های دینی می‌دانند. نظر به اینکه تأکید این پژوهش بر نقش آفرینی رسانه در تکریم سالمندان است، لازم است رسانه به‌طور کلی و تلویزیون به‌طور خاص در برنامه‌سازی‌های خود به تعالیم خاص اسلامی در حوزه بزرگداشت سالمندان و اولیا به اندازه کافی توجه کنند و مبانی نظری و عملی اسلامی را سرلوحه برنامه‌سازی خود قرار دهند.

یادداشت‌ها

1. Louis Harris
2. Aging
3. George Gerbner
4. Heavy viewers
5. Light viewers
6. Mean World

۷. گونه‌شناسی سالمندان در این پژوهش، حاصل مطالعات و همفکری پژوهشگر و اساتید محترم راهنما و مشاور است که برای اولین بار به این صورت مطرح شده است.

منابع

۱. افخمی، حسین، (۱۳۸۲)، «رقابت رادیو و تلویزیون در دنیای سیاست و تجارت»، فصلنامه افکار عمومی، سال سوم، شماره ۸۳۶، فروردین ۱۳۸۲.
۲. اکبرزاده، نسرین، (۱۳۷۴)، گذر از نوجوانی به پیری، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا (س).
۳. توحیدی، مریم، (۱۳۹۰)، بررسی وضعیت سالمندی تهران، تهران: جامعه‌شناسان.
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاه، ج ۵، قم: اسراء.
۵. دلاور، بهرام، (۱۳۸۱)، بررسی وضعیت سلامت سالمندان کشور ۱۳۷۸، تهران: کتاب آشنا.
۶. ریاحی، محمداسماعیل، (۱۳۸۷)، «مطالعه تطبیقی موقعیت و جایگاه سالمندان در جوامع گذشته و معاصر»، نشریه سالمند، پاییز و زمستان، دوره ۳، شماره ۹ و ۱۰، دانشگاه مازندران.
۷. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش
۸. ساروخانی، باقر و مینا قریب، (۱۳۹۳)، «ساختار خانواده و تأثیر آن بر جایگاه سالمندان؛ مورد مطالعه: شهر تهران»، پایان‌نامه دکتری.
۹. «سالمندان در شهر تهران»، مجله سالمندی ایران، سال سوم (۱۳۸۶)، شماره ۷.

۱۰. «مقایسه وضعیت سالمندان ساکن خانه سالمندان و سالمندان ساکن در خانواده در شهر تهران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰.
۱۱. سام آرام، عزت اله و مهرناز امین آقایی، (۱۳۸۵)، «سیاست‌های اجتماعی برای سالمندان در ژاپن و سوئد و الگوی مناسب برای سالمندان ایران»، فصلنامه سالمند، سال اول، شماره ۲.
۱۲. سورین، ورنر و جیمز تانکارد، (۱۳۸۱)، نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. شیخی، محمدتقی، (۱۳۸۶)، «امنیت اجتماعی و آسیب‌شناسی سالمندان در شهر تهران»، فصلنامه سالمند، سال دوم، شماره ۶.
۱۴. کیدقان، طاهره، (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان: مطالعه موردی شهر شیراز» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۱۵. فتال نیشابوری، محمد ابن حسن، (۱۳۷۵)، روضه السواعظین و بصیر المتعظین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، قم: نشر ایران.
۱۶. کلینی، محمد ابن یعقوب، (۱۳۸۶)، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ج ۶، تهران: اسوه.
۱۷. حرعاملی، محمد ابن الحسن، (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۲، قم: آل‌البیت.
۱۸. شیخی، محمدتقی، (۱۳۸۶)، «ابعاد مختلف امنیت اجتماعی و آسیب‌پذیری سالمندان در شهر تهران؛ پژوهشی از دیدگاه آسیب‌شناسی محله»، مجله سالمندی ایران، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۶.
۱۹. محدثی، جواد، (۱۳۸۲)، اخلاق معاشرت، ج ۵، قم: بوستان.
۲۰. مرکز آمار ایران، (۱۳۸۶)، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سایت سازمان آمار ایران.
۲۱. مشایخی، مهنوش، (۱۳۷۸)، «بررسی ساخت جمعیت سالمندان کشور در سال ۱۳۷۵»، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۲، صص ۱۵۵ تا ۱۷۱.
۲۲. مهدی‌زاده، محمد، (۱۳۸۴)، «مطالعه تطبیقی نظریه کاشت و دریافت در ارتباطات»، مرکز تحقیقات صداوسیما.
۲۳. ناصرعلی، عبدالله، (۱۳۷۷)، معجم البسیط، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی

24. Gerbner, George, et al. "cultural Indicators project" and online.

<http://www.nimbus.temple.edu/~ggerbner/ci.html>.

25. Griffin, EM. (2000) , "A First Look at Communication Theory", New York: Mc

26. Media, culture and society (2000) SAGE Publications, Vol 23: 53 – 59

27. Koochek A, Johansson S-E, Kocturk TO, Sundquist J, Sundquist K. Physical activity and body mass index in elderly Iranians in Sweden: a population- based study. Eur J Clin Nutrition Advance, online publication. July 2007; doi: 10.1038/sj.ejcn.1602851
28. Kenny , wade, (2000)" George Gerbner's Cultivation Theory", online.
29. Bury, M. and Holme, A. (1991), Life after Ninety, P. 107, London, Routledge.
30. Davidson, Lisa M, (2008). "united states and finnish Adolescents,petceptions of socialsupport: Across- Cultural Anlysis". school psychology international .Pp 360-365

